



حروف ربط کلماتی هستند که دو جمله را به هم وصل می‌کنند و یک جمله‌ی بزرگ‌تر می‌سازند. هر حرف ربط، کاربردهای خاص خودش را دارد و در جملات خاصی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. برای جواب دادن به سؤالات این درس، باید با کاربردهای مختلف هر حرف ربط آشنا باشیم.

حروف ربط زمان

در کتاب درسی فقط دو حرف ربط زمان **when** و **as** توضیح داده شده‌اند، ولی در کنکور از حروف ربط **while** و **since** هم سؤال طرح می‌شود. **when**: این حرف ربط به معنی «وقتی» است و برای اشاره به دو عمل هم‌زمان (مثال ۱)، دو عمل متوالی و پشت سر هم (مثال ۲)، سن و سال در زمان گذشته (مثال ۳) و یا دو عمل هم‌زمان و تکرارشونده، یعنی دو عمل که همیشه هم‌زمان با هم انجام می‌شوند (مثال ۴) به کار می‌رود:

1. Reza called me **when** I was watching TV. (وقتی داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم، رضا به من زنگ زد. (تلویزیون تماشا کردن و زنگ زدن هم‌زمان هستند).)
2. I will tell him the news **when** I see him. (وقتی او را ببینم آن خبر را به او خواهم گفت. (دیدن و گفتن خبر پشت سر هم هستند).)
3. Mina lived here **when** she was 5 years old. (مینا وقتی ۵ ساله بود در اینجا زندگی می‌کرد. (۵ ساله بودن سن و سال در زمان گذشته است).)
4. Children get happy **when** it snows. (وقتی برف می‌بارد، بچه‌ها خوشحال می‌شوند. (برف باریدن و خوشحال شدن بچه‌ها همیشه هم‌زمان هستند).)

as: این حرف ربط می‌تواند برای اشاره به دو عمل هم‌زمان استفاده شود که در این کاربرد، به معنی «وقتی» است (مثال ۱). علاوه بر این، حرف ربط **as** می‌تواند به دو عمل که به نسبت هم تغییر می‌کنند اشاره داشته باشد که در این کاربرد، به معنی «هرچه، هرچقدر که» است و با صفات تفضیلی همراه می‌شود (مثال ۲):

1. Reza called me **as** I was watching TV. (وقتی داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم، رضا به من زنگ زد. (تلویزیون تماشا کردن و زنگ زدن هم‌زمان هستند).)
2. You get more experienced **as** you get older. (هرچه سن بالاتر می‌رود، باتجربه‌تر می‌شوی. (سن و تجربه به نسبت هم تغییر می‌کنند).)

while: این حرف ربط به معنی «وقتی» است و برای اشاره به دو عمل هم‌زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد:

Reza called me **while** I was watching TV. (وقتی داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم، رضا به من زنگ زد. (تلویزیون تماشا کردن و زنگ زدن هم‌زمان هستند).)

همان‌طور که می‌بینید، حروف ربط **when**، **as** و **while** هر سه می‌توانند برای اشاره به دو عمل هم‌زمان استفاده شوند. البته این سه حرف ربط، در همین کاربرد مشترکشان هم تفاوت‌هایی با هم دارند، ولی نیازی به دانستن این تفاوت‌ها نیست. در کنکور، وقتی جمله به دو عمل هم‌زمان اشاره داشته باشد، این سه حرف ربط را با هم در بین گزینه‌ها نمی‌آورند.

since: برای این‌که این حرف ربط زمان در تست‌های کنکور پاسخ صحیح باشد، باید جمله دو شرط داشته باشد. شرط اول: در صورت سؤال، جمله‌ای که حرف ربط بر سر آن نیامده در زمان حال کامل (**have/has + p.p.**) یا گذشته‌ی کامل (**had + p.p.**) باشد. شرط دوم: این حرف ربط که به معنی «از وقتی که» است، از لحاظ معنایی برای تکمیل جمله مناسب باشد:

Since I came back from holiday, I have been very busy.

از وقتی که از تعطیلات برگشتم، خیلی سرم شلوغ بوده است.

We had not faced any problems **since** we started this job.

ما از وقتی که این کار را شروع کردیم، با هیچ مشکلی مواجه نشده بودیم.

حروف ربط علت

همان‌طور که از اسم حروف ربط این دسته مشخص است، وقتی به کار می‌روند که بین دو جمله رابطه‌ی علت و معلولی وجود داشته باشد. وقتی تشخیص دادیم که یکی از دو جمله بیان‌کننده‌ی علت جمله‌ی دیگر است، برای وصل کردن آن‌ها باید از یکی از سه حرف ربط علت **because**، **since** یا **as** استفاده کنیم. این سه حرف ربط به معنی «چون» هستند و در حد کنکور، هیچ فرقی با هم ندارند:

We didn't enjoy the picnic **because/since/as** the weather was so bad.

ما از پیک‌نیک لذت نبردیم چون هوا خیلی بد بود.

بعضی از حروف ربط در بیشتر از یک دسته قرار دارند. به عنوان مثال، از بین حروف ربطی که تا این‌جا خوانده‌ایم، **since** و **as** هم در دسته‌ی حروف ربط زمان هستند و هم در دسته‌ی حروف ربط علت. وقتی این حروف ربط را در بین گزینه‌ها می‌بینید، باید تمام کاربردهای آن‌ها را در ذهن داشته باشید تا دچار اشتباه نشوید.

حروف ربط شرط



از بین حروف ربط شرط مختلفی که در زبان انگلیسی وجود دارند، در کنکور فقط به یک حرف ربط نیاز داریم و آن حرف ربط شرط **whether** است که مهم‌ترین حرف ربط این درس در کنکور است. این حرف ربط معمولاً در ساختار «**whether ... or ...**» به کار می‌رود و می‌تواند به معنی «چه ... چه ...» (مثال ۱) یا «که آیا ... یا ...» (مثال ۲) باشد:

1. You're going to be late **whether** you go by bus **or** train. شما دیر خواهید رسید، چه با اتوبوس بروید چه با قطار.
 2. I haven't decided **whether** I should go **or** stay. من تصمیم نگرفته‌ام که آیا باید بروم یا بمانم.

گاهی اوقات می‌توانیم در ساختار «**whether ... or ...**» به جای نقطه‌چین دوم **not** بیاوریم: «**whether ... or not**». در این صورت، وقتی که این ساختار به معنی «که آیا ... یا ...» باشد، می‌توانیم **or not** را از جمله حذف کنیم. ولی وقتی که این ساختار به معنی «چه ... چه ...» باشد، **or not** قابل حذف نیست:

- You have to study this book **whether** you like it **or not**. شما باید این کتاب را بخوانید، چه دوست داشته باشید چه نداشته باشید.
 I don't know **whether** I should call him **or not**. من نمی‌دانم که آیا باید به او زنگ بزنم یا نه.
 I don't know **whether** I should call him. من نمی‌دانم که آیا باید به او زنگ بزنم (یا نه).



قلق‌های تست‌زنی

۱ وقتی در بین گزینه‌ها بیشتر از یک حرف ربط علت به کار رفته باشد، می‌فهمیم که حروف ربط علت نمی‌توانند جواب سؤال باشند، وگرنه سؤال بیشتر از یک جواب صحیح خواهد داشت. یعنی اگر **because**، **since** و **as** با هم در بین گزینه‌ها آمده باشند (یا دو تا از آن‌ها آمده باشند)، **because** خود به خود حذف می‌شود چون تنها نقش آن حرف ربط علت است (تست‌های ۳، ۶ و ۸). اما **since** و **as** حذف نمی‌شوند چون ممکن است در نقش حرف ربط زمان به کار رفته باشند. ولی در مورد **since** و **as** هم کارمان راحت‌تر می‌شود، چون می‌دانیم که جواب سؤال حرف ربط علت نیست و فقط کافی است نقش زمانی آن‌ها را بررسی کنیم (تست‌های ۲، ۵، ۷ و ۹).

۲ وقتی بعد از نقطه‌چین **or** داشته باشیم، به احتمال خیلی زیاد جواب صحیح **whether** است، چون این حرف ربط معمولاً در ساختار «**whether ... or ...**» به کار می‌رود. برای این‌که مطمئن شویم که حرف ربط **whether** برای تکمیل جمله مناسب است، بهتر است یک بار هم جمله را از لحاظ معنایی چک کنیم (تست‌های ۵، ۷، ۸ و ۹). ولی اگر بعد از نقطه‌چین **or not** داشته باشیم، دیگر جای هیچ شک‌ای باقی نمی‌ماند و می‌توانیم با خیال راحت **whether** را انتخاب کنیم.

دقت داشته باشید که نباید برعکس این نکته را استفاده کنیم! گفتیم آمدن **or** بعد از نقطه‌چین نشان می‌دهد که احتمالاً جواب صحیح **whether** است، ولی نیامدن **or** باعث حذف **whether** نمی‌شود، چون همان‌طور که در توضیحات درس گفتیم، وقتی که **whether** به معنی «که آیا ... یا ...» باشد، می‌توانیم **or not** را از جمله حذف کنیم. بنابراین ممکن است بعد از نقطه‌چین **or** نداشته باشیم و جواب صحیح **whether** باشد.

۳ اگر در تست‌های گرامر کنکور، کلماتی غیر از حروف ربطی که در درس‌نامه توضیح دادیم در گزینه‌ها بیایند، می‌توانیم بدون بررسی آن‌ها را خط بزنیم، چون جزء مبحث گرامر درس نیستند و نمی‌توانند پاسخ صحیح باشند (تست‌های ۱ و ۶). البته این نکته مخصوص سؤالات بخش گرامر است و نباید در سؤالات گرامری که در قسمت کلوز تست می‌آیند از آن استفاده کنیم. در کلوز تست هر کلمه‌ای ممکن است جواب صحیح باشد.

۴ وقتی جمله‌ای بدون حرف ربط (یعنی جمله‌ای که نقطه‌چین ندارد) در زمان حال کامل یا گذشته‌ی کامل باشد، شک می‌کنیم که احتمالاً کاربرد زمانی **since** مد نظر طراح سؤال بوده است. برای این‌که این شک به یقین تبدیل شود، باید معنی جمله را چک کنیم تا ببینیم که حرف ربط **since** به معنی «از وقتی که» به جمله می‌خورد یا نه (تست ۱).

۵ وقتی در جمله به سن و سال در زمان گذشته اشاره شده باشد، متوجه می‌شویم که احتمالاً کاربرد سوم **when** مد نظر است و طبق معمول، برای کسب اطمینان از چک معنایی جمله استفاده می‌کنیم (تست ۲).

تست‌های گرامر

در تست‌های مربوط به مبحث حروف ربط، در بین گزینه‌ها از حروف ربط مختلفی استفاده می‌شود که بعضی از آن‌ها را هنوز نخوانده‌ایم و در درس‌های ۵، ۶ و ۷ با آن‌ها آشنا خواهیم شد. برای این‌که بتوانید از تست‌های کنکورهای سال‌های گذشته بیشترین بهره را ببرید، در این درس فقط آن دسته از تست‌های کنکور را که تمامی گزینه‌های آن‌ها از درس اول هستند آورده‌ایم. بقیه‌ی تست‌ها را در لایه‌لای تست‌های درس ۷ خواهید دید.

1. We have completed ten items we started doing this exercise.

سراسری خارج از کشور ۹۱

- 1) when 2) since 3) enough 4) whether

2. she was 18 years old, she entered the order of the Sisters of Our Lady of Loreto, in India.

- 1) When 2) As 3) Since 4) Whether

سراسری ریاضی ۹۰

3. He always listens to the radio driving his car.

سراسری تجربی ۹۰

- 1) while 2) since 3) whether 4) because

4. If you want to be successful, these are the steps you need to take whether you like it

سراسری انسانی ۹۰

- 1) or you not 2) not 3) does not 4) or not

5. I asked him he had done it all by himself or someone had helped him.

سراسری هنر ۸۹

- 1) as 2) since 3) when 4) whether

6. Carlos had lots of free time and read a lot of books and magazines he was in London.

سراسری تجربی ۸۷

- 1) because 2) while 3) during 4) since

7. we tell her now or later, she is not going to be pleased.

سراسری انسانی ۸۷

- 1) As 2) Since 3) Whether 4) When

8. we go by plane or train, we won't get there on time.

سراسری خارج از کشور ۸۷

- 1) Whether 2) Because 3) When 4) Since

9. The question is it would be safer to leave them there or in the car.

سراسری خارج از کشور ۸۶

- 1) as 2) since 3) when 4) whether

10. We have to write the letter in French they don't understand English.

سراسری هنر ۸۵

- 1) since 2) when 3) whether 4) while

پاسخ‌تست‌های گرامر

۱ از وقتی که انجام این تمرین را شروع کردیم، ده مورد را کامل کرده‌ایم.

جمله‌ی بدون حرف ربط (... We have completed) در زمان حال کامل آمده است. این موضوع نشان می‌دهد که احتمالاً حرف ربط زمان since پاسخ صحیح است. برای این‌که از نظر معنایی جمله را چک کنیم، باید در جای خالی «از وقتی که» بگذاریم. با انجام این کار متوجه می‌شویم که حرف ربط since از نظر معنایی هم برای تکمیل این جمله مناسب است. کلمه‌ی enough که در گزینه‌ی ۳ آمده اصلاً حرف ربط نیست و به مبحث این درس ربطی ندارد. پس به راحتی می‌توانیم آن را حذف کنیم.

۲ وقتی او ۱۸ ساله بود، به فرقه‌ی خواهران لور تو در هند پیوست.

این سؤال بخشی از یک متن کلوز تست است. چون بعد از نقطه‌چین درباره‌ی سن و سال در زمان گذشته صحبت شده، حتی اگر معنی بقیه‌ی جمله را متوجه نشویم، به راحتی می‌توانیم بفهمیم که در جای خالی باید از حرف ربط when استفاده کنیم. چون since و as هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند و فقط کافی است نقش زمانی since و as را بررسی کنیم.

۳ ۱

او همیشه وقتی ماشینش را می‌راند به رادیو گوش می‌دهد.

because و since هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، پس حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند. بنابراین because بلافاصله حذف می‌شود و در مورد since هم فقط باید نقش زمانی آن را بررسی کنیم. با توجه به این‌که جمله‌ی بدون حرف ربط (He always listens ...) در زمان حال ساده است، نه حال کامل یا گذشته‌ی کامل، since هم نمی‌تواند جواب صحیح باشد. دو عمل مطرح شده در صورت سؤال (گوش دادن به رادیو و راندن ماشین) به‌طور هم‌زمان انجام شده‌اند و در بین گزینه‌ها، فقط حرف ربط while می‌تواند برای این منظور استفاده شود.

۴ ۴

اگر می‌خواهید موفق باشید، این‌ها قدم‌هایی هستند که باید بردارید، چه دوست داشته باشید، چه نداشته باشید.

این سؤال هم از یک متن کلوز تست انتخاب شده است. شاید بتوان گفت که این سؤال، آسان‌ترین سؤالی است که می‌شود در مورد کاربرد حرف ربط شرط whether طرح کرد! همان‌طور که در توضیحات درس گفتیم، در ساختار «... or ... whether» خیلی وقت‌ها در نقطه‌چین دوم not می‌آید. در این سؤال هم به همین شکل آمده و برای تکمیل جمله، باید گزینه‌ی ۴ را در جای خالی قرار دهیم.

۵ ۴

از او پرسیدم که آیا همه‌ی آن را به تنهایی انجام داده یا کسی کمکش کرده است.

آمدن or در ادامه‌ی جمله بعد از نقطه‌چین نشان می‌دهد که احتمالاً پاسخ این سؤال حرف ربط whether است. چک معنایی جمله هم نشان می‌دهد که این حرف ربط برای تکمیل جمله مناسب است. چون since و as هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند و در صورت لزوم، فقط کافی است نقش زمانی since و as را بررسی کنیم.

۶ ۲

کارلوس وقتی در لندن بود، وقت آزاد زیادی داشت و کتاب‌ها و مجلات زیادی می‌خواند.

چون because و since هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند. بنابراین because بلافاصله حذف می‌شود و در مورد since هم فقط باید نقش زمانی آن را بررسی کنیم. با توجه به این‌که جمله‌ی بدون حرف ربط (Carlos had lots of ...) در زمان گذشته‌ی ساده است، نه حال کامل یا گذشته‌ی کامل، since هم نمی‌تواند جواب صحیح باشد. کلمه‌ی during که در گزینه‌ی ۳ آمده اصلاً حرف ربط نیست و در توضیحات این درس اشاره‌ای به آن نکردیم. پس به راحتی می‌توانیم آن را حذف کنیم. با حذف این گزینه‌ها، تنها گزینه‌ای که باقی می‌ماند while است که به دو عمل هم‌زمان اشاره دارد.

۷ ۳

چه الان به او بگوییم چه بعداً، او خوشحال نخواهد شد.

آمدن or بعد از نقطه‌چین و چک معنایی جمله نشان می‌دهد که باید حرف ربط whether را به عنوان پاسخ این سؤال انتخاب کنیم. چون since و as هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ صحیح باشند و فقط کافی است نقش زمانی آن‌ها را بررسی کنیم.

۸ ۱

چه با هواپیما برویم چه با قطار، به موقع به آن‌جا خواهیم رسید.

آمدن or بعد از نقطه‌چین و چک معنایی جمله نشان می‌دهد که پاسخ این سؤال حرف ربط whether است. در این سؤال هم because بلافاصله حذف می‌شود و since با هم در بین گزینه‌ها آمده‌اند، پس حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ صحیح باشند. بنابراین because بلافاصله حذف می‌شود و در مورد since هم فقط باید نقش زمانی آن را بررسی کنیم. با توجه به این‌که جمله‌ی بدون حرف ربط (we won't get ...) در زمان آینده است، نه حال کامل یا گذشته‌ی کامل، since هم نمی‌تواند جواب صحیح باشد.

۹ ۴

سؤال این است که آیا امن‌تر خواهد بود که آن‌ها را آن‌جا بگذاریم یا داخل ماشین.

در این سؤال هم آمدن or بعد از نقطه‌چین پاسخ صحیح را به ما نشان می‌دهد و علاوه بر این، این‌که since و as با هم در بین گزینه‌ها آمده‌اند رد گزینه‌های نادرست را برایمان راحت‌تر می‌کند.

۱۰ ۱

ما باید نامه را به زبان فرانسوی بنویسیم چون آن‌ها انگلیسی بلد نیستند.

بین دو جمله رابطه‌ی علت و معلولی وجود دارد و تنها حرف ربط علتی که در بین گزینه‌ها آمده حرف ربط since است.



Part B

Vocabulary

واژگان هر درس در سه بخش مه‌زا و بر اساس میزان اهمیت واژگان در کنگور ارائه شده‌اند. ملاک قرارگیری هر واژه در هر بخش، تعداد دفعاتی بوده که واژه‌ی مورد نظر در «گزینه‌های تست‌های کنگور» به کار رفته است. بخش ۱ شامل مهم‌ترین واژگان است و بخش ۳ واژگانی را دربردارد که کمترین اهمیت را از لحاظ کنگوری دارند. بنابراین اگر با محدودیت زمانی مواجه هستید، بهتر است بیشتر وقت و انرژی خود را روی واژگان بخش‌های ۱ و ۲ متمرکز کنید و واژگان بخش ۳ را در اولویت بعدی قرار دهید. البته واژگان بخش ۳ نیز در صورت سؤالات مختلف و متن‌های کنگور به کار می‌روند و «کم‌اهمیت» بودن آن‌ها به معنی «بی‌اهمیت» بودنشان نیست!

بخش ۱

bend / v.	خم کردن؛ خم شدن	nutrient / n.	ماده‌ی غذایی
carry / v.	حمل کردن، بردن	protect / v.	محافظت کردن از؛ حمایت کردن از
combine / v.	ترکیب کردن؛ ترکیب شدن	proud / adj.	سربلند؛ مغرور
condition / n.	شرط؛ وضعیت؛ (در جمع) شرایط، اوضاع	reasonable / adj.	معقول، منطقی
create / v.	به وجود آوردن؛ خلق کردن	reasonably / adv.	به‌طور قابل قبولی؛ به‌طور منطقی
define / v.	تعریف کردن، معنی کردن، توضیح دادن	recognize / v.	شناختن؛ تشخیص دادن؛ درک کردن
definition / n.	تعریف	regular / adj.	منظم؛ عادی؛ (دستور) باقاعده
efficient / adj.	مؤثر، کارآمد	release / v.	آزاد کردن؛ ساطع کردن
efficiently / adv.	به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی	rely on / v.	وابسته بودن به، متکی بودن به؛ حساب کردن روی
especially / adv.	مخصوصاً، به‌خصوص	repetitive / adj.	تکراری، یکنواخت
experience / n. v.	تجربه؛ تجربه کردن	store / v.	ذخیره کردن، انبار کردن
express / v.	بیان کردن، ابراز کردن	stretch / v.	دراز کردن، کش دادن؛ امتداد داشتن
flexible / adj.	انعطاف‌پذیر	summarize / v.	خلاصه کردن
increase / n. v.	افزایش؛ افزایش یافتن، افزایش دادن	support / n. v.	حمایت؛ حمایت کردن از؛ تأیید کردن
instruct / v.	دستور دادن (به)؛ آموزش دادن (به)	trouble / n.	مشکل، دردسر

بخش ۲

achievement / n.	موفقیت، دستاورد	discuss / v.	بحث کردن درباره‌ی، صحبت کردن درباره‌ی
active / adj. n.	فعال، پرجنب‌وجوش؛ (دستور) معلوم	energy / n.	انرژی
actively / adv.	فعالانه، به‌طور فعالی	excellent / adj.	عالی، فوق‌العاده
along / prep. adv.	در طول، در امتداد؛ (به) جلو	exemplify / v.	نمونه‌ی ... بودن؛ مثال زدن برای
blood / n.	خون	exercise / n. v.	ورزش، تمرین؛ ورزش کردن، تمرین کردن
bother / n. v.	اذیت؛ اذیت کردن	extra / adj.	اضافی، بیشتر
cell / n.	سلول	focus / n. v.	تمرکز، توجه؛ متمرکز کردن، توجه کردن
decision / n.	تصمیم	fuel / n.	سوخت
deeply / adv.	عمیقاً؛ شدیداً، بسیار	give up / phr v.	ترک کردن، دست برداشتن از
disagree / v.	مخالف بودن، مخالفت کردن	in addition	علاوه بر این، از این گذشته

injury / n.	آسیب؛ زخم	opinion / n.	عقیده، نظر
join / v.	ملحق شدن به؛ (به هم) وصل کردن	perfectly / adv.	کاملاً، به طور کامل؛ عالی
joint / n.	مَفصل	personal / adj.	شخصی، خصوصی
lift / v.	بلند کردن، برداشتن	personally / adv.	شخصاً؛ به طور شخصی
matter / n. v.	موضوع؛ ماده؛ مهم بودن	shape / n.	شکل
mention / v.	اشاره کردن به، گفتن	unexpected / adj.	غیرمنتظره، دور از انتظار
muscle / n.	عضله، ماهیچه	vessel / n.	رگ
national / adj.	ملی؛ عمومی، همگانی	weigh / v.	وزن داشتن؛ وزن کردن
operation / n.	عمل جراحی؛ کار، عمل؛ عملیات	weight / n.	وزن؛ وزنه

بخش ۳

a bit	کمی، تا حدودی	fat / adj. n.	چاق؛ چربی
adapt / v.	اقتباس کردن (از)؛ سازگار کردن	feel like	دوست داشتن، مایل بودن
aerobic / adj.	اروبیک	fit / adj.	مناسب؛ سالم، تندرست
aerobics / n.	ورزش اروبیک	flexibly / adv.	با انعطاف، به طور قابل انعطافی
alive / adj.	زنده	freezer / n.	فریزر، جایی
anymore / adv.	دیگر، بیش از این	fresh / adj.	تازه
as soon as possible	در اسرع وقت، هرچه زودتر	get off / phr v.	پیاده شدن
bike / n.	دوچرخه	grandpa / n.	بابابزرگ
bone / n.	استخوان	gym / n.	ژیمناستیک؛ سالن ورزش
bony / adj.	استخوانی	harm / n.	صدمه، آسیب
boss / n.	رئیس	headache / n.	سردرد
breath / n.	نَفَس	heading / n.	عنوان، سرفصل
breathe / v.	نفس کشیدن، تنفس کردن	heart / n.	قلب
burn up / phr v.	به کلی سوزاندن، به کلی سوختن	historic / adj.	تاریخی؛ مهم، برجسته
calorie / n.	کالری	i.e. (that is)	یعنی، به عبارت دیگر
chest / n.	قفسه‌ی سینه، سینه	intestine / n.	روده
check / n. v.	بازبینی، بررسی؛ بازبینی کردن، بررسی کردن	irregular / adj.	(دستور) بی قاعده
club / n.	باشگاه، کلوب	item / n.	بخش؛ مورد؛ چیز
digest / n.	خلاصه، چکیده	kid / n.	بچه
doorbell / n.	زنگ در	known / adj.	شناخته شده، معروف
endorphin / n.	آندورفین	Korea / n.	(کشور) کره
entire / adj.	تمام، همه‌ی	lawyer / n.	وکیل
face / n. v.	صورت، سطح؛ رو به ... بودن، روبه‌رو شدن با	light / adj.	سبک؛ خفیف؛ (رنگ) روشن
failure / n.	شکست، عدم موفقیت؛ (موتور) خرابی	liver / n.	کبد، جگر
familiar / adj.	آشنا، شناخته شده	living / adj. n.	زنده؛ زندگی

lonely / adj.	تنها، بی‌کس	skin / n.	پوست
lung / n.	ریه، شش	skull / n.	جمجمه
match / n. v.	کبریت؛ مسابقه؛ (با هم) جفت کردن	somebody / pron.	کسی، یک نفر
meaning / n.	معنی، مفهوم	spoil / v.	فاسد شدن، خراب شدن
meat / n.	گوشت	stair / n.	پله، (در جمع) پلکان
medical / adj.	(مربوط به) پزشکی	stomach / n.	شکم؛ معده
missing / adj.	گم‌شده؛ جافتاده	Sweden / n.	سوئد
neither ... nor ... / conj.	نه ... نه ...	tiredness / n.	خستگی
on one's own	به تنهایی، تنها	toe / n.	انگشت پا
organ / n.	اندام، عضو	unable / adj.	ناتوان، عاجز
originate / v.	نشأت گرفتن	understanding / n.	درک، فهم
partner / n.	شریک؛ (مسابقه و غیره) یار	unhappy / adj.	ناراحت، غمگین
potentiality / n.	استعداد، توانایی	unknown / adj.	ناشناخته، نامعلوم
prize / n.	جایزه	waste / n. v.	اتلاف؛ آشغال؛ تلف کردن
pump / v.	تلمبه کردن، پمپاژ کردن	western / adj.	غربی
self-reliance / n.	اتکا به خود، اعتماد به نفس	workshop / n.	کارگاه
sing / v.	آواز خواندن		

تست‌های واژگان

در گزینه‌های تست‌های واژگان کتور، از واژگان تمام درس‌های کتاب درسی استفاده می‌شود. یعنی در این سوالات، واژگانی وجود دارند که هنوز آن‌ها را نفوانده‌اید و قرار است در درس‌های بعدی با آن‌ها آشنا شوید. برای این‌که این موضوع لطمه‌ای به روند آموزشی کتاب وارد نکند، گزینه‌های نادرستی را که مربوط به درس‌های جلوتر بودند تغییر دادیم تا بار آموزشی و همچنین سنجشی این تست‌ها به مراتب بالاتر رود.

1. We need a secretary who is really in managing the office and making it run well. سراسری تجربی ۹۲
 - 1) efficient
 - 2) regular
 - 3) national
 - 4) personal
2. If we do not find a good solution for the problem now, we will be up trouble for ourselves in the near future. سراسری انسانی ۹۲
 - 1) lifting
 - 2) calling
 - 3) joining
 - 4) storing
3. They found a rock with gold in it, buried in the earth's surface. سراسری انسانی ۹۲
 - 1) straightly
 - 2) efficiently
 - 3) rapidly
 - 4) deeply
4. Machines can now perform many tasks in the home. سراسری هنر ۹۲
 - 1) reasonable
 - 2) responsible
 - 3) mental
 - 4) repetitive
5. Something is really worrying me, but I can't exactly what it is. سراسری زبان ۹۲
 - 1) experience
 - 2) handle
 - 3) define
 - 4) release
6. Basically, the article can be into a few sentences. سراسری خارج از کشور ۹۲
 - 1) combined
 - 2) stretched
 - 3) supported
 - 4) summarized
7. Recently, she has been working hours to save for the holiday she is going on in summer. سراسری خارج از کشور ۹۲
 - 1) extra
 - 2) repetitive
 - 3) emotional
 - 4) necessary

8. No one believed what he said; his excuse was not سراسری ریاضی ۹۱
- 1) available 2) reasonable 3) recent 4) efficient
9. I believe children must be in road safety. سراسری انسانی ۹۱
- 1) instructed 2) protected 3) expressed 4) bothered
10. It was no surprise that she wasn't able to me at first; after all, we hadn't met each other for a long time. سراسری زبان ۹۱
- 1) define 2) imagine 3) recognize 4) join
11. The results of the research are at the end of the chapter. سراسری هنر ۹۰
- 1) summarized 2) stretched 3) increased 4) created
12. I think she should be blamed for the difficulties she had been having. سراسری تجربی ۸۹
- 1) personally 2) powerfully 3) perfectly 4) actively
13. How well the crops will grow depends on the quality and of the soil. سراسری زبان ۸۹
- 1) definition 2) condition 3) information 4) competition
14. Our professor asked me how I would happiness. سراسری خارج از کشور ۸۹
- 1) define 2) insist 3) release 4) lift
15. He his job to find a better one. سراسری تجربی ۸۸
- 1) separated 2) gave up 3) disliked 4) burned up
16. I think it is too cold to go out today. سراسری انسانی ۸۸
- 1) briefly 2) previously 3) heavily 4) personally
17. Physical exercise can you against heart diseases. سراسری هنر ۸۸
- 1) bend 2) create 3) protect 4) improve
18. Her food Iranian cooking at its best. سراسری هنر ۸۸
- 1) suggests 2) experiences 3) supports 4) exemplifies
19. Smoking your chances of getting cancer. سراسری زبان ۸۸
- 1) instructs 2) produces 3) increases 4) releases
20. Don't buy that car! Its engine doesn't work سراسری زبان ۸۸
- 1) efficiently 2) flexibly 3) briefly 4) previously
21. Our plans need to be enough to provide the needs of everyone. سراسری ریاضی ۸۷
- 1) physical 2) repetitive 3) flexible 4) emotional
22. He is very involved in the formation of local libraries. سراسری انسانی ۸۷
- 1) similarly 2) actively 3) previously 4) silently
23. You must find a more way of organizing your time. سراسری هنر ۸۷
- 1) medical 2) efficient 3) central 4) repetitive
24. The cost of the project has greatly since its construction. سراسری خارج از کشور ۸۷
- 1) released 2) completed 3) increased 4) performed
25. We all know that Mrs. Smith is a good manager and runs her business very سراسری ریاضی ۸۷
- 1) previously 2) efficiently 3) straightly 4) personally
26. You will lose weight and become weak unless you receive all the your body needs. سراسری زبان ۸۶
- 1) qualities 2) functions 3) operations 4) nutrients

27. He did his best to his arm to reach the apple, but he couldn't.

سراسری زبان ۸۶

- 1) carry 2) increase 3) stretch 4) release

28. Two people talking together to reach an agreement can more easily achieve their goal if they are a bit

سراسری زبان ۸۶

- 1) flexible 2) mental 3) healthy 4) proud

29. I know you weren't there but, to, the meeting was useful.

سراسری زبان ۸۶

- 1) compare 2) summarize 3) organize 4) recognize

30. I would like to my thanks for your kindness.

سراسری خارج از کشور ۸۶

- 1) discuss 2) focus 3) experience 4) express

31. Stop shouting, and let's discuss this problem

سراسری خارج از کشور ۸۶

- 1) reasonably 2) actively 3) constantly 4) regularly

32. He has a decision to go to college to continue his studies.

سراسری ریاضی ۸۵

- 1) gotten 2) done 3) had 4) made

33. The office is going to working hours from 25 to 30 per week.

سراسری تجربی ۸۵

- 1) combine 2) increase 3) instruct 4) research

34. He always wants something to eat; he's never satisfied with what he's given.

سراسری تجربی ۸۵

- 1) extra 2) repetitive 3) flexible 4) efficient

35. It was the first time I'd ever failure. What about you?

سراسری انسانی ۸۵

- 1) performed 2) created 3) experienced 4) bothered

36. The rice is in a large building near the village.

سراسری انسانی ۸۵

- 1) stored 2) designed 3) involved 4) focused

37. Children usually have bodies since they can bend and stretch easily.

سراسری ریاضی ۸۴

- 1) regular 2) relaxed 3) flexible 4) reasonable

38. Things needed to keep a living thing alive and to help it grow are

سراسری هنر ۸۴

- 1) fuels 2) joints 3) nutrients 4) muscles

پاسخ تست‌های واژگان

۱ ۱ ما به یک منشی احتیاج داریم که در اداره کردن دفتر و به خوبی به کار انداختن آن واقعاً کارآمد باشد.

(۱) مؤثر، کارآمد (۲) منظم؛ عادی (۳) ملی؛ عمومی (۴) شخصی، خصوصی

۲ ۴ اگر الان یک راه‌حل خوب برای این مشکل پیدا نکنیم، برای خودمان در آینده‌ی نزدیک دردسر ذخیره خواهیم کرد (در آینده‌ی نزدیک به دردسر خواهیم افتاد).

(۱) بلند کردن، برداشتن (۲) تلفن کردن (به) (۳) ملحق شدن به (۴) ذخیره کردن، انبار کردن
آن‌ها یک سنگ که در آن طلا بود پیدا کردند که عمیقاً در سطح زمین دفن شده بود.

(۱) مستقیم، صاف (۲) به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی (۳) به سرعت، سریعاً (۴) عمیقاً؛ شدیداً

۴ ۴ ماشین‌ها الان می‌توانند بسیاری از کارهای تکراری را در خانه انجام دهند.

(۱) معقول، منطقی (۲) مسئول (۳) ذهنی، روانی (۴) تکراری، یکنواخت

۵ ۳ چیزی واقعاً مرا نگران کرده است، ولی نمی‌توانم توضیح دهم که دقیقاً چیست.

(۱) تجربه کردن (۲) کنترل کردن، از عهده‌ی ... برآمدن

(۳) تعریف کردن، توضیح دادن (۴) آزاد کردن؛ ساطع کردن

- ۴ ۶ اساساً، این مقاله می‌تواند در چند جمله خلاصه شود.
- ۱ ترکیب کردن؛ ترکیب شدن (۲) دراز کردن، کش دادن (۳) حمایت کردن از (۴) خلاصه کردن (۴)
- ۱ ۷ او اخیراً ساعات بیشتری را مشغول کار کردن بوده است (مشغول انجام اضافه‌کاری بوده است) تا برای تعطیلاتی که در تابستان خواهد رفت پس‌انداز کند.
- ۱ اضافی، بیشتر (۲) تکراری، یکنواخت (۳) احساسی، عاطفی (۴) لازم، ضروری (۴)
- ۲ ۸ هیچ‌کس آنچه را که او گفت باور نکرد؛ بهانه‌ی او منطقی نبود.
- ۱ موجود، در دسترس (۲) معقول، منطقی (۳) اخیر، جدید (۴) مؤثر، کارآمد (۴)
- ۱ ۹ من معتقدم که باید به بچه‌ها در زمینه‌ی امنیت جاده آموزش داده شود.
- ۱ دستور دادن (به)؛ آموزش دادن (به) (۲) محافظت کردن از (۲)
- ۳ بیان کردن، ابراز کردن (۴) اذیت کردن (۴)
- ۳ ۱۰ تعجبی نداشت که او در ابتدا نتوانست مرا بشناسد؛ هرچه باشد ما مدت زیادی بود که همدیگر را ندیده بودیم.
- ۱ تعریف کردن، توضیح دادن (۲) تصور کردن (۳) شناختن؛ تشخیص دادن (۴) ملحق شدن به (۴)
- ۱ ۱۱ نتایج تحقیق در انتهای فصل خلاصه شده‌اند.
- ۱ خلاصه کردن (۲) دراز کردن، کش دادن (۳) افزایش یافتن، افزایش دادن (۴) به وجود آوردن؛ خلق کردن (۴)
- ۱ ۱۲ من شخصاً فکر می‌کنم که (خود) او باید به خاطر مشکلاتی که داشته است سرزنش شود.
- ۱ شخصاً؛ به‌طور شخصی (۲) با قدرت (۳) کاملاً، به‌طور کامل (۴) فعالانه، به‌طور فعالی (۴)
- خود قید personally (شخصاً؛ به‌طور شخصی) در کتاب درسی نیامده، ولی صفت personal (شخصی، خصوصی) در کتاب درسی به کار رفته است. در این سؤال این صفت پسوند -ly گرفته و به قید تبدیل شده است.
- این‌که محصولات چقدر خوب رشد خواهند کرد به کیفیت و وضعیت خاک بستگی دارد.
- ۲ ۱۳ ۱ تعریف (۲) شرط؛ وضعیت (۳) اطلاعات (۴) رقابت، مسابقه (۴)
- ۱ ۱۴ استادمان از من پرسید که شادی را چطور تعریف می‌کنم.
- ۱ تعریف کردن، معنی کردن (۲) اصرار کردن، اصرار داشتن (۳) آزاد کردن؛ ساطع کردن (۴) بلند کردن، برداشتن (۴)
- ۲ ۱۵ او شغلش را ترک کرد تا شغل بهتری پیدا کند.
- ۱ جدا کردن، تقسیم کردن (۲) ترک کردن، دست برداشتن از (۳) دوست نداشتن (۴) به کلی سوزاندن (۴)
- ۴ ۱۶ من شخصاً فکر می‌کنم که امروز (هوا) برای بیرون رفتن بیش از حد سرد است.
- ۱ به‌طور خلاصه (۲) سابقاً، قبلاً (۳) به شدت، خیلی (۴) شخصاً؛ به‌طور شخصی (۴)
- ۳ ۱۷ ورزش جسمی می‌تواند از شما در مقابل بیماری‌های قلبی محافظت کند.
- ۱ خم کردن؛ خم شدن (۲) به وجود آوردن؛ خلق کردن (۳) محافظت کردن از (۴) بهبود یافتن؛ بهبود بخشیدن (۴)
- ۴ ۱۸ غذای او نمونه‌ی آشپزی ایرانی در حد اعلای خود است.
- ۱ پیشنهاد کردن (۲) تجربه کردن (۳) حمایت کردن از (۴) نمونه‌ی ... بودن (۴)
- ۳ ۱۹ سیگار کشیدن احتمال سرطان گرفتن شما را افزایش می‌دهد.
- ۱ دستور دادن (به)؛ آموزش دادن (به) (۲) تولید کردن، ساختن (۲)
- ۳ افزایش یافتن، افزایش دادن (۴) آزاد کردن؛ ساطع کردن (۴)
- ۱ ۲۰ آن ماشین را نخرا موتورش به طرز کارآمدی کار نمی‌کند (خوب کار نمی‌کند).
- ۱ به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی (۲) با انعطاف، به‌طور قابل انعطافی (۲)
- ۳ به‌طور خلاصه (۴) سابقاً، قبلاً (۴)
- ۳ ۲۱ برنامه‌های ما باید به اندازه‌ی کافی انعطاف‌پذیر باشند تا نیازهای همه را تأمین کنند.
- ۱ بدنی، فیزیکی (۲) تکراری، یکنواخت (۳) انعطاف‌پذیر (۳)
- ۴ احساسی، عاطفی (۴)